تعلیقات و استدراکات علی کتاب الغدیر ـ آیت الله شیخ محمّد رضا جعفری
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شمارهٔ ۳۸ «ویژهٔ علامه امینی»، بهار ۱۳۹۲، ص ۷۸ ـ ۱۰۵

تعلیقات و استدراکات علی کتاب الغدیر

آیت الله شیخ محمّد رضا جعفری

چکیده: این گفتار که به زبان عربی است، تعلیقات و استدراکات آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی (۱۳۵۰ق / ۱۳۱۰ ش ـ ۱۴۳۱ ق / ۱۳۸۹ ش) بر کتاب الغدیر نوشته. علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰ ق ـ ۱۳۷۰ ق) را در بر دارد. نویسنده در این گفتار، بخشی از پژوهش‌های خود دربارهٔ مطالب کتاب الغدیر را بر نسخهٔ خود افزوده و پژوهشگران در پیگیری محتوای کتاب، یاری می‌رساند. این تعلیقات و استدراکات، برای نخستین بار، براساس نسخه اصلی مرحوم جعفری انتشار می‌یابد.

کلیدواژه ها: الغدیر (کتاب) ـ استدراک و تعلیق/ امینی، عبدالحسین (۱۳۲۰ـ۱۳۹۰ ق) ـ پژوهش ها/ جعفری نجفی، محمدرضا (۱۳۵۰ـ۱۴۳۱ ق) ـ پژوهش ها/ ولایت و امامت ـ کتابهای مرجع.

مقدمّه

پیش از این در شمارهٔ ۱۹ سفینه شرح حال مختصر مرحوم آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی (۷ شوال ۱۳۵۰ ق ـ ۱۸ ذیحجه ۱۴۳۱ ق) اشاره شد، چنانکه در شماره‌های ۱۹، ۲۰، ۲۲ تا ۲۵، ۲۷، ۲۸ و ۳۷، تعلیقات آن فقید بر پاره‌ای از احادیث اصول کافی نقل شد.

آیت الله جعفری عالمی برجسته از بزرگان حوزهٔ علمیهٔ دیر سال نجف اشرف بود، بسیار دانا،تیز بین ،ژرف نگر و کم نویس. از شهرت گریزان بود و انزوایی خود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

خواسته داشت. خدمات خالصانهٔ دینی خود را درگمنامی بیشتر می‌پسندید. بدین روی، نه در زمان حیات، چنانکه باید و شاید، به تمام شئون ـ به ویژه جامعیتی ویژه و شاخص که داشت ـ شناخته شد، و نه پس از رحلت.

آنچه در پی می‌آید، تعلیقات و استدراکات آیت الله جعفری است که در حاشیهٔ صفحات یک دوره کتاب الغدیر نوشته و درکتابخانه نفیس خود به یادگار نهاده است و اینک برای نخستین بار انتشار می‌یابد. این کتابخانه اکنون در بنیاد فرهنگی جعفری در قم مورد استفاده قرار می‌گیرد. دستیابی ما به این حواشی، مرهون عنایت مسئولان بنیاد است که از لطف آنان سپاسگزاری می شود و دعای خیر حضرت بقیةاله ارواحنا فداه را برایشان آرزو داریم.

باید دانست که این مطالب، بخشی است بسیار اندک از گفتنی‌های فراوانی که علامه جعفری در تبیین و توضیح و تکمیل مطالب علامه امینی داشت. امید است با تدوین و تکمیل نوشتارها و درس گفتارهای مرحوم جعفری ، پژوهشگران به مطالبی دیگر در این زمینه دست یابند. تا آن زمان، نشر تدریجی از این مطالب، فرصتی است مغتنم که نباید از دست داد. تعلیقات و استدراکات مرحوم جعفری در حاشیه وگاه میان صحفات سومین چاپ الغدیر نوشته شده که چند بار در ایران (دار الکتب الاسلامیة)و بیروت (دار الکتاب العربی) در ۱۱ جلد به چاپ رسیده است. لذا بر پایهٔ شماره صفحات همان چاپ سامان گرفته و البته برای چاپهای دیگر قابل تطبیق و استفاده است.

امید است انتشار این مجموعه مطالب، گامی در راه احیای حقایق غدیری باشد و تمام عوامل دست اندرکار مشمول دعای خیر رسول خدا صلی الله علیه و آله گردند«اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله »

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

ج ۱، ص ۹، س ۷ ـ استدراک:

* **(محمّد بن یعقوب الکلینی)**: عدة من أصحابنا عن احمد بن محمّد، عن الحسین بن سعید، عن النضربن سوید، عن عبدالله بن سنان، قال:

قال ابو عبدالله علیه السلام: ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله الحج، فکتب الی من بلغه کتابه ممّن دخل فی‌الاسلام: انّ رسول‌الله صلی الله علیه و آله یرید الحجّ یؤذنهم بذلك لیحجّ من أطاق الحج. فأقبل النّاس. فلما نزل الشجرة أمر النّاس بنتف الابط، و حلق العانة، و الغسل، و التجّرد في إزار و رداء، أو إزار و عمامة یضعها علی عاتقه لمن لم یکن له رداء... الحدیث

(*الکافی*، الحج (حجّ النبیّ، صلی‌الله علیه و آله و سلم)، ج ۴، ص ۲۴۹ ـ ۲۵۰، ح ۷؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۵۸، ح ۱۵؛ جامع أحادیث الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۵۹)

* **(ابن عدی)**: ثنا عبدالله بن محمّد بن ناجیقه، ثنا صبّاح بن مروان النیلی، ثنا عبدالله بن سنان الزهری، عن ابیه سنان بن ابی سنان، عن محمّد بن علی بن حسین، عن جابربن عبدالله:

انّ رسول الله، صلی الله علیه [و آله] و سلم حیث أراد الحج کتب إلی من بلغه کتابه من المسلمین یخبره: انّی ارید الحج، و یأمرهم بالحج من قدر علیه و اطاقه، فأقبل النّاس حجّاجاً حتّی نزلوا الشجرة و ما حولها. و خرج رسول الله، صلی الله علیه [و آله] و سلم، فأمرهم أنْ یتهیّأ وا للإحرام بحلق العانة، و نتف الابط، و قصّ الشارب و الأظفار، و غسل رؤوسهم ـ و ذکر حدیث الحج بطوله، نحو حدیث جعفر بن محمّد، و فیه الفاظ لیست فی حدیث جعفر.

(*الکامل* (عبدالله بن سنان)، ج ۴، ص ۱۵۶۱)

ج ۱، ص ۲۰، س ۶ ـ استدراک:

* **(ابوبکر بن ابی شیبة)**: حدّثنا عفان، قال: ثنا حمادبن سلمة، قال: اخبرنا علی بن زید، عن عدی بن ثابت، عن البراء، قال: کنا مع رسول‌الله (صلعم) فی سفر، قال: فنزلنا بغدیر خم، قال: فنودی: الصلاة جامعة، و کسح لرسول الله (صلعم) تحت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

شجرة، فصلّى الظهر، فأخذ بيد عليّ، فقال: الستم تعملون انى اولى بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: بلى. قال: ألستم تعلمون انّي أولى بكلّ مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى. قال: فأخذ بيد علی، فقال: اللّهم من كنت مولاه فعلی مولاه، اللهمّ وال من والاه، و عادِ من عاداه. قال: فلقيه عمر بعد ذلك، فقال: هنيئا لك يا ابن ابي طالب، أصبحت و امسيت مولى كلّ مؤمن و مؤمنة. (المصنف، الفضائل (فضائل علی بن ابی‌طالب) ج ۱۲، ص ۷۸ ـ ۷۹، ح ۱۲۱۶۷؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۱۷ عنه)

ج ۱، ص ۲۰، س ۱۷ ـ استدراک

* **(ابن ابی شیبة)**: حدّثنا ابو معاوية و وكيع، عن الاعمش، عن سعيد بن عبيدة، عن ابن بريدة، عن ابيه، قال: قال رسول الله (صلعم): من كنت وليّه فعلی وليه. (المصنف، الفضائل (فضائل علی بن ابی‌طالب)، ج ۱۲، ص ۵۷، ح ۱۲۱۱۴)

ج ۱، ص ۲۲، س ۱۷ ـ استدراک:

* **(ابن ابی شیبة)**: حدّ ثنا مطلب بن زياد، عن عبدالله بن محمّد بن عقيل، عن جابر بن عبدالله، قال: كنا بالجحفة بغدير خم، إذ خرج علينا رسول الله (صلعم) فأخذ بيدعلی، فقال: من كنت مولاه فعليّ مولاه. (المصنف، الفضائل (فضائل علی بن ابی‌طالب)، ج ۱۲، ص ۵۹، ح ۱۲۱۲۱)

ج ۱، ص ۲۷، س ۱۴ ـ تعلیق:

المتن: نقلاً عن الطبرانی. تعلیق: انظر حدیث الطبرانی، *احقاق الحق*، ج ۹، ص ۳۳۷ ـ ۳۳۹.

ج ۱ ص ۲۹ س ۴ ـ استدراک

* **(ابن ابی شیبة)**: حدّثنا شريک، عن حنش بن الحارث، عن رباح بن الحارث، قال: بينا عليّ جالساً فی الرّحبة، إذ جاء رجل عليه اثر السّفر، فقال: السلام عليك يا مولای. فقال: من هذا؟ فقالوا: هذا ابو ايّوب الانصاری. فقال: انی سمعت رسول الله (صلعم) يقول: من كنت مولاه فعليّ مولاه. (المصنف، الفضائل (فضائل علی بن ابی‌طالب)، ج ۱۲،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

ص ۶۰، ح ۱۲۱۲۲)

ج ۱، ص ۴۲، س ۴ ـ استدراک

* **(البلاذری)**: حدثني ابو مسعود الكوفي، عن ابن الكلبي، عن عوانة، عن ابيه، قال:

قال سعد بن ابي وقاص لمعاوية ـ في كلام جري ـ: قاتلت عليّاً و قد علمتَ أنّه أحقّ بهذا الأمر منك! فقال معاوية: ولم ذاك؟ قال: لأن رسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلم يقول: من كنت مولاه فعليّ مولاه، اللّهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه، و لفضله في نفسه و سابقته ! قال: فما كُنتَ قطُّ أصغر في عيني منكَ الآن! قال سعد: و لم؟ قال: لتركك نصرته، و قعودك عنه، و قد عَمِلْتَ هذا من أمره! (انساب الاشراف (بنو عبد شمس ـ معاويه) تحقيق : الدكتور احسان عباس، المطبعة الكاتوليكية، بيروت، ۱۴۰۰/۱۹۷۹ ـ ق ۴، ج ۱، ص ۸۰، ح ۲۶۰)

ج ۱، ص ۲۴۶، س ۷ ـ استدراک:

* اسماعيل بن اسحاق بن اسماعيل بن حماد بن زيد بن درهم، الجَهضَمي، الأزدي، مولاهم البصري، ثم البغدادي، المالكى (۱۹۹ / ۸۱۵ ـ ۲۸۲ / ۸۹۶) الامام العلامة، الحافظ، شيخ الاسلام ـ كما قال الذهبي ـ كان عالما متقنا فقيها.

* **(الذهبی)** قال نِفطَوَيْه: كان اسماعيل كاتب محمّد بن عبدالله بن طاهر، فحدّثنى: انّ محمّداً سأله عن حديث: (أنت منّي بمنزلة هارون من موسى) [قال شعيب الارنؤوط: و تمامه: (غير انّه الانبيَّ بعدى). اخرجه من حديث سعد بن أبي وقاص، البخارى، (ج ۸، ص ۸۶ فى (المغازى) باب (غزوة تبوک) ، ج ۷، ص ۵۹ و ۶۰ فى (فضائل اصحاب النبى صلعم)باب (مناقب على بن ابى‌طالب رض)، و مسلم (۲۴۰۴) و الترمذى (۳۷۳۱) ـ هامش ج ۱۳، ص ۳۴۱] و حديث: (من كنت مولاه) [قال الارنؤوط ـ و لم يذكر تمامه! و السرّ لايخفى ـ: صحيح، اخرجه احمد، ج ۴، ص ۲۸۱، و ابن ماجه (۱۱۶) من حديث البراء، و اخرجه احمد، ج ۵ ص ۳۴۷، ۳۵۰،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

۳۵۸ من حديث بريدة، و اخرجه الترمذی (۳۷۱۴) و احمد، ج ۴، ص ۳۶۸ و ۳۷۰ عن زيد بن ارقم، و اخرجه ابن ماجة (۱۲۱) من حديث سعد بن أبی وقاص - هامش، ج ۱۳، ص ۳۴۱] فقلت: الأوّل أصحّ، و الآخر دونه!

قال: فقلت لاسماعيل: فيه طرق، رواه البصريّون و الكوفيون، فقال: نعم، و قد خاب و خسر من لم يكن عليّ مولاه. (سير أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۳۴۰ ـ ۳۴۱)

ج ۱ ص ۷۶ س ۱۴ ـ استدراک:

خرج عبدالسلام بن هاشم اليشكری علی المهديّ العباسی سنة ۱۶۰ في باجَرْما، فكتب اليه المهديّ العبّاسي كتابا فيه: (...مع مناواتك خليفته، و نزعك يدك من طاعته، و شتمك اباالحسن علی بن ابي‌طالب [۱]، و وقوعک فيه و تنقّصك إيّاه، و ولايتک مَنْ عاداه، فالله عصيت، و نبيّه عاديت، فقد اتاک يقين راض، و حديث صادق[۲]، عن النبيّ، صلی الله عليه [و آله] و سلّم و قوله: (مَنْ كنْتُ مَوْلاهُ فَعلیٌّ مَوْلاهُ)[۳] فكنت المكذِّب بذلک، و الحائد عنه...) (خليفة بن خياط، التاريخ، ج ۲، ص ۷۰۱ ـ ۷۰۲؛ الازدی، تاريخ الموصل، ص ۲۳۸)

ج ۱ ص ۱۵۷ س ۲۱ ـ استدراک:

۲۷ـ عبدالرحيم بن الحسين بن عبدالرحمن، ابوالفضل، زين الدين الحافظ العراقی (۷۲۵ / ۱۳۲۰ ـ ۸۰۶ / ۱۴۰۴) له: «طرق حديث من كنت مولاه فعلی مولاه» (الترجمة: الاعلام، ج ۳، ص ۳۴۴ ـ ۳۴۵؛ الحسينی، ذيل تذكرة الحفاظ، ص ۲۲۰-۲۳۴؛ الضوء اللامع، ج ۴، ص ۱۷۱-۱۷۸)

ج ۱ ص ۱۶۲ س ۱۳ ـ تعليق:

المتن: قال الطبری فی تفسيره

تعليق: قال الرازی...

---

۱. زاد الازدی: صلوات الله عليه.

۲. جاء فی *تاريخ الموصل*: و نبيّه عاديت، فقد اتاک يقيناً ماضيا و حديثاً صادقاً.

۳. لم يرد «من كنت مولاه فعلی مولاه» فی *تاريخ الموصل*.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

ج ۱ ص ۱۶۳ س ۱۷ ـ استدراک:

* قال البخاری: الحارث بن محمّد، عن ابی الطفیل، و لم یذکر سماعاً منه، سمع منه زافر بن سلیمان، لایتابع في حدیثه. (التاریخ الکبیر، ۱ ـ ۲، ص ۲۸۳، رقم ۲۴۷۶)

* و قال العقیلی: الحارث بن محمّد عن ابی الطفیل. حدثنی ادم بن موسی قال: سمعت البخاری، قال: الحارث بن محمّد، عن ابی الطفیل: کنت علی الباب یوم الشوری. رواه زافر، عن الحارث، و لم یبیّن سماعه منه، و لم یتابَعْ زافر علیه. (الضعفاء الکبیر، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۲۵۸)

* و قال ابن عدی: سمعت ابن حماد یقول: قال البخاری: الحارث بن محمّد، عن ابی الطفیل، سمع منه زفر بن سلیمان، لا یتابع علیه. و الحارث بن محمّد هذا مجهول، لا یعرف له روایة الّا ما ذکره البخاری. (الکامل، ج ۲، ص ۶۱۳)

* قال ابن حبان فی *الثقات*، ج ۴، ص ۱۳۶: (الحارث بن محمّد، یروی عن ابی الطفیل، ان سمع منه، روی عنه زافر بن سلیمان.)

۲ ـ العقیلی: و هذا الحدیث حدّثناه محمّد بن احمد الورامینی، قال: حدثنا یحیی بن المغیرة الرازي، قال: حدثنا زافر، عن رجل، عن الحارث بن محمّد، عن ابی الطفیل عامر بن واثلة الکناني، قال ابوالطفیل:

کنت علی الباب یوم الشوری، فارتفعت الأصوات بینهم، فسمعت علیّاً یقول: بایع الناس لابی بکر، و أنا والله أولی بالأمر منه و احقّ منه، فسمعت و اطعت مخافة ان یرجع الناس کفّاراً یضرب بعضهم رقابَ بعض بالسیف، ثمّ بایع الناس عمر، و انا و الله أولی بالأمر منه، و احقّ منه، فسمعت و اطعتُ مخافة أنْ یرجع الناس کفاراً یضرب بعضهم رقابَ بعض بالسیف. ثم أنتم تریدون أنْ تبایعوا عثمان، إذا أسمع وأطیع!

انّ عمر جعلنی فی خمسة نفر أنا سادسهم، لایَعْرف لی فَضْلاً علیهم فی الصّلاح، و لا یعرفوه لی! کلّنا فیه شرع سواء! و ایم الله لو اشاء ان اتکلّم ثم لایستطیع عربیّهم و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

لا عجميّهم، و لا المعاهد منهم و لا المشرک ردّ خطاه منها لفعلت!

ثم قال: نشدتكم بالله، ايّها النفر جميعاً، أفيكم احد آخى رسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلم غيرى؟ قالوا: اللهم، لا. ثم قال: نشدتكم بالله، ايّها النفر جميعا، أفيكم أحد له عمّ مثل عمّى حمزة اسدالله و أسد رسوله و سيّد الشهداء؟ قالوا: اللهمّ لا. فقال: افيكم احد له اخ مثل اخى جعفر ذوالجناحين الموشى بالجوهر يطير بها فى الجنّة حيث شاء؟ قالوا: اللهم، لا. قال: افيكم احد له مثل سبطىَّ الحسن و الحسين سيدى شباب اهل الجنة؟ قالوا: اللهم لا. قال: افيكم احد له مثل زوجتى فاطمة بنت رسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلّم؟ قالوا: اللهم لا. قال: افيكم احد كان اقتل لمشركى قريش، عند كلِّ شديدة تنزل برسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلّم منّى؟ قالوا: اللهم لا. قال: افيكم أحد كان أعظم شيئاً فى رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلّم حين اضطجَعْتُ على فراشه، و وقيته بنفسى، و بذلت له مهجة دمى؟ قالوا: اللهم، لا. قال: افيكم احد كان يأخذ الخمس غيرى و غير فاطمة؟ قالوا: اللهم، لا. قال: افيكم احد كان له سهم فى الحاضر و سهم فى الغائب غيرى؟ قالوا: اللهم لا.

قال: أكان احد فطهر فى كتاب الله غيرى [؟] حين سدّ النبي صلى الله عليه [و آله] و سلّم ابواب المهاجرين، و فتح بابى، فقام اليه عمّاه: حمزة، و العباس، فقالا: يا رسول الله، سددت ابوابنا و فتحت باب على؟ فقال رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلّم: ما أنا فتحت بابه و لا سددت ابوابَكم، بل الله فتح بابه و سدّ ابوابكم؟ قالوا: اللهم، نعم [؟] قال: أفيكم أحد تمّم الله نوره من السماء [؟] غيرى، حين قال: (وآت ذالقربَى حقّه)؟ قالوا: اللهم. لا. قال: أفيكم احد ناجاه رسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلّم ثنتا عشرة مرة غيرى، حين قال الله عزّ و جل: (يا ايّها الّذين امنوا اذا ناجيتم الرسول فقدّموا بين يدى نجواكم صدقة)؟ قالوا: اللهم، لا. قال: أفيكم أحد تولّى غمض رسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلّم غيرى؟ قالوا: اللهم لا. قال:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

أفيكم أحد اخذ عهده برسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلّم [؟ احدث عهداً؟] حتى وضعته فى حفرته غيرى؟ قالوا: اللهم، لا.

هكذا حدثناه محمّد بن احمد، عن يحيى بن المغيرة، عن زافر، عن رجل، عن الحارث بن محمّد، عن ابى الطفيل. فيه رجلين مجهولين [؟]: رجل لين لم يسمه زافر، و الحارث بن محمّد.

* حدثنا جعفر بن محمّد، قال: حدثنا محمّد بن حميد، قال: حدثنا زافر، حدثنا الحارث بن محمّد، عن ابى الطفيل عامر بن واثلة، عن على ـ فذكر الحديث نحوه.

و هذا عمل محمّد بن حميد اسقط الرجل، و أراد ان يجوز [؟ و فى *اللسان*: يجود] الحديث، و الصواب ما قاله يحيى بن المغيرة، و يحيى بن المغيرة ثقة.

و هذا الحديث لاأصل له عن على.

(الضعفاء الكبير، ج ۱، ص ۲۱۱ ـ ۲۱۲، رقم ۲۵۸)

ج ۱ ص ۱۷۰

ذيل ۸: زيدبن يثيع

ج ۱، ص ۱۷۲، س ۴ ـ استدراک:

* **ابن ابى شيبة:** حدثنا شريک، عن ابى اسحاق، عن [سعيد بن وهب و] زيد بن يثيع، قال: [قالا ـ صح] بلغ عليّاً انّ اناساً يقولون فيه، قال: فصعد المنبر فقال: أُنشد الله رجلا، ولا أنشده إلا من اصحاب محمّد (صلعم)، سمع من النبّى (صلعم) شيئاً الاّ قام. فقام مما يليه ستة، و مما يلى سعد [؟ سعيد] بن وهب ستة. فقالوا: نشهد انّ رسول الله (صلعم) قال: من كنت مولاه فعلىّ مولاه، اللهم والِ من والاه، و عاد من عاداه. (المصنف، الفضائل (فضائل على بن ابى‌طالب)، ج ۱۲، ص ۶۷ ـ ۶۸، رقم ۱۲۱۴۰)

ج ۱ ص ۱۹۵ س ۴ ـ استدراک:

۱ـ قال الثعالبى: وكان انس بن مالک، رضى الله عنه ابرص. و ذكر قوم: انّ على بن ابى‌طالب ـ كرّم الله وجهه ـ سأله عن قول النبىّ ـ صلى الله عليه [و آله] و سلّم ـ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

فیه: اللهم وال مَن والاه، و عاد من عاداه! فقال: قد کبرت سنّی و نسیت. فقال علی: ان کنت کاذباً فضربک الله ببیضاء لا تواریها العمامة! فاصابه برص. (لطائف المعارف، ص ۱۰۵ ـ ۱۰۶)

۲- یقول ابوعلی احمد بن عمر بن رُسْته:

انس بن مالک کان بوجهه برص، و یذکر قوم انّ علی بن ابی‌طالب (رضه) سأله عن شیء فقال: کبرت سنی و نسیت. فقال علی: ان کنت کاذ با فضربک الله ببیضاء لا تواریها العمامة. (الاعلاق النفیسة، ص ۲۲۱)

۳- و عدّه ابن حبیب فی (البُرص الاشراف). (المحبّر، ص ۳۰۱)

*** قال الجاحظ:**

(و ربما قیل للأبرص: أَبْرَش، و أقشر، و أرقط، و ابقع، و مُبْقَع، و بُقَیْع) و مُوَلَّع، و مُرَقّع، و بکل ذلک جاء الشعر (البُرصان .../۷۴) و قالوا فی المُوَلَّع. قال ابوعبیدة: کان ثُمامة بن عبدالله بن انس [ثَمامة بن عبدالله بن انس بن مالک الانصاری البصری قاضیها. روی عن جده انس، و البراء بن عازب، و ابي هریرة و لم یدرکهّ. ولاه خالد بن عبدالله القسری قضاء البصرة ۱۰۶، و عزله ۱۱۰. خرّج حدیثه اصحاب الکتب الستة.(تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸ ـ ۲۹)]

: أَسْلَع بن أَسْلع بن اسلع [الاسلع هو الابرص ـ*البرصان* .../۶۳،۶۴] و لذلک قال خلیفة الاقطع ابو خَلَف بن خلیفة [خَلَف بن خلیفة الاقطع (ـ نحوه ۷۳۴/۱۲)] شاعر اموی، مطبوع، راویة (الاعلام، ط ۴، ج ۲، ص ۳۱۰)

و کُنَّا قَبْلَ مُسْتَقْضَی بلالٍ من السِّنْخ المُوَلَّع فی عَنَاءِ

[۱- بلال بن ابی بُردة بن موسی الاشعری (ـ نحو ۷۴۴/۱۲۶) امیر البصرة و قاضیها، ولّاه خالد القسری ۱۰۹، فاقام إلی ان قدم یوسف بن عمر الثقفی ۱۲۵، فعز له و جلسه، فمات سجینا ـ*الاعلام* ـ ج ۲ ص ۷۲، راجع]

تقیَّل سِنُخُه و أبا أَبیه کما قُدَّ الحِذَاءُ عَلی الحِذَاءِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

البرصان، و العُرْجان، و العُمْیان، والحُولان، ص ۷۹

ج ۱، ص ۲۰۴، س ۱۶ ـ استدراک:

* **ابن ابی شیبة:** حدثنا شریک، عن ابی یزید الاودی، عن ابیه، قال: دخل ابوهریرة المسجد، فاجتمعنا الیه، فقام الیه شابّ، فقال: انشدک بالله، أسمعت رسول الله (صلعم) یقول: من کنت مولاه فعلیّ مولاه، اللهم والِ من الاه و عاد من عاداه؟ فقال: نعم. فقال الشاب: أنا منک بریء، أشهد انّک قد عادیت من والاه، و والیت من عاداه! قال: فحصیه النّاس بالحصا. (المصنف، الفضائل (فضائل علی بن ابی‌طالب)، ج ۱۲، ص ۶۸، رقم ۱۲۱۴۱)

ج ۲، ص ۲۶، س ۷ ـ استدراک:

* **البلاذری:** و زعموا: انّ معاویة کتب إلی علیّ، رضی الله تعالی عنهما: یا اباالحسن، إنّ لی فضائل کثیرة، کان ابی سیّدا فی الجاهلیّة، و ولّانی فی عمر فی الاسلام، و أنا صِهْر رسول الله، صلی الله علیه [و آله] و سلّم و خال المؤمنین، و أحد کتّاب الوحی! فلما قرأ علیّ کتابه، قال: أبِا الفضائل یفخر علیَّ ابنُ آکلة الاکباد؟! یا غلام، اکتب. فکتب:

محمّد النَّبیُّ اخی و صِهْرِی	و حمزةُ سیّدُ الشهداء عمّی
و جعفر الّذی یُمسی و یُضحی	یطیر مع الملائکة ابنُ أمِّی
و بنت محمّد سکنی و عِرْسی	مَسُوط لحمها بدمی و لَحمی
و سبطا احمد ولدای منها	فایّکم له سَهمٌ کسهمی
سبقتکم إلی الإسلام طُرّاً	غلاماً قَبْلَ اوانِ حِلْمی

فلما قراه معاویة قال: یا غلام مزق الکتاب، لئلا یقرأه أهلُ الشام فَیمیلوا الیه دونی.

قالوا: و انتحل السید الحمیری هذه الابیات، فأدخلها فی شعره.

(انساب الاشراف، تحقیق : الدکتور احسان عباس، المطبعة الکاثولیکیة، بیروت، ۱۹۷۹/۱۴۰۰ (بنو عبد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

شمس) ق ۴ ـ ج ۱، ص ۱۱۱، رقم ۳۳۱ . و قال المحقق: مناقب ابن شهراشوب، ج ۲، ص ۱۹، والكنز، ج ۶، ص ۳۹۲، رقم ۶۰۰۳، و معجم الادباء، ج ۵، ص ۲۶۶، ج ۱۴، ص ۴۷ ـ ۴۸، والمجتنى، ص ۳۹، و ابن كثير، ج ۸، ص ۸، و قارن ايضا بابى عساكر، ج ۴، ص ۳۱۲، و الشعر فى الف باء، ج ۱، ص ۴۳۹)

ج ۲، ص ۱۲۷، س آخر ـ استدراک:

سعيد بن عبدالرحمن من ولد شدّاد بن اوس، عن ابيه، عن يعلى بن شداد عن ابيه، انه دخل على معاوية و عمرو على فراشه، فجلس بينهما و قال: سمعت رسول الله، صلى الله عليه [و آله] و سلّم يقول: اذا رأيتموهما جميعا ففرّقوا بينهما... الحديث. رواه الطبرانى و قال ابن‌عساكر: سعيد و ابوه مجهولان. (لسان الميزان، ج ۳، ص ۳۶)

ج ۲، ص ۱۹۶، س ۱۳ ـ استدراک:

و من جملة ما اهداه ابو يوسف عبدالسلام بن محمّد القزوينى الزيدى(۳۹۲/۱۰۰۲-۴۸۸/۱۰۹۵) إلى الوزير نظام الملک: (شعر الكميت بن زيد) بخط ابى منصور فى ثلاثة عشر مجلداً (طبقات الشافعية، ج ۵، ص ۱۲۲)

ج ۲، ص ۲۴۹، س ۷ ـ تعليق:

المتن: و صار أبو خالد الكابلى إماميّاً

تعليق: (لسان الميزان، ج ۱، ص ۴۳۶)

ج ۲، ص ۲۷۵، س ۳ ـ استدراک:

قال الطبرى: و ذكر عمر بن شبّة: أنّ ابا الهُذَيل العلاف حدّثه ان ابا جعفر [المنصور] قال: بلغنى ان السيد بن محمّد مات بالكرخ ـ او قال: بواسط ـ و لم يدفنوه، و لئن حقّ ذلک عندى لأحرقنّها. و قيل: ان الصحيح انّه مات فى زمان المهدى بكرخ بغداد، و انّهم تحاموا أنْ يدفنوه، و انّه بعث بالربيع حتى ولى أمره، و امره إن كانوا امتنعوا ان يحرق عليهم منازلهم، فدفع عنهم (الطبرى، ج ۳، ص ۴۷۳ و ج ۸، ص ۹۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

ج ۳، ص ۸، س ۱ ـ تعلیق:

المتن: ذکرها

تعلیق: ذکرهم (*بهجة المجالس*)

ج ۳، ص ۸، س ۴ ـ استدراک:

و قال ابن عبدالبرّ: و له ایضا:

عـــــلیّ امـــــیرالمـــــؤمنین خـــــلیفة

و مـــــا لســـــواه فـــی الخـــلافة مـــطمع

فـــــلو کـــــنت ابـــغی مـــلة غـــیر مـــلّتی

لما کنت إلّا مسلماً أتَشیّع (بهجة المجالس، ج ۱، ص ۷۵۵)

ج ۳، ص ۱۸، س ۱۱ و ۱۲ ـ تعلیق:

المتن: بیضاء تسحب... الی... علیها مظلم (بیتان)

تعلیق: بیضاء تسحب من قیام فرعها

و تغیب فیه و هو وحف اسحم

فکأنّها فیه نهار ساطع

و کأنه لیل علیها مظلم (نسخة اخری)

ج ۳، ص ۱۸، هامش ۵ ـ استدراک:

راجع *احقاق الحق*، ج ۱، ص ۲۴۵ بتعلیقنا

ج ۳، ص ۱۸، هامش ۷ ـ استدراک:

جاء فی *محاضرات الادباء*، ج ۲، ص ۱۸۰ انهما لبکر بن النَّطَّاح، ابی وائل الحنفی (-۸۰۸/۱۹۲)

و هکذا فی *فوات الوفیات*، ج ۱، ص ۲۲۱: *الوافی بالوفیات*، ج ۱۰، ص ۲۲۱ ـ و فیه ما اثبت فی المتن ـ البکری، *اللألی*، ص ۵۱۹، *القالی*، *الأمالی*، ج ۱، ص ۲۲۷، زهر *الآداب*، ج ۲، ص ۵۹۶، المرتضی، *الامالی*، ج ۲، ص ۹۷ ـ و فیه ما هنا، *الحماسة* لأبی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

تمام...، شرح *التبریزی*، ج ۳، ص ۱۲۸۵ ـ ۱۲۸۶)

و قال صدر الدین البصری: (و قال بکر بن النّطّاح. و تروی للسَّمْهَری بن الکمیت بن زید...) (الحماسة البصریة، ج ۲، ص ۱۸۱، رقم ۲۳۰) و قال الدکتور مختار الدین احمد، محقق الکتاب فی الهامش: (الحماسة، ج ۳، ص ۱۴۰؛ والحصری، ج ۳، ص ۶؛ والمرتضی، ج ۲، ص ۹۷ و ج ۴، ص ۱۴؛ والقالی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ والمستطرف، ج ۲، ص ۱۴؛ والمحاضرات، ج ۲، ص ۱۸۰؛ ونهایة الارب، ج ۲، ص ۲۱؛ والتشبیهات، ص ۱۰۲ لبکر بن النطاح. و فی الزجاجی، ص ۶۴. لابی حیّة الُّنمَیری [الَهیْثم بن الرّبیع بن زُرارة (ـ نحو ۱۸۳/۸۰۰)] و فی *الاغانی*، ج ۱۵، ص ۱۱۷ [ط دارالکتب، ج ۱۷، ص ۲۱ ـ ۲۲] للمستهلّ بن الکُمَیْت [بن زید الاسدی (ـ نحو ۱۵۰/۷۶۷)]

و فی کتاب البدیع لأسامة بن منقذ، ص ۱۲۹ لأبی الثیص الخُزاعی [محمّد بن علی بن عبدالله بن رَزین الخُزاعی الکوفی (-۱۹۶/۸۱۱) ابن عمّ دعبل بن علی الشاعر العلویّ الشهیر]

ج ۳، ص ۳۱، س ۲ ـ استدراک:

المرزبانی، *معجم الشعراء*، ج ۶، ص ۱۴۵ ـ ۱۴۷

ج ۴، ص ۳۰، س ۱۲ :

تعلیق المتن: روی الحموی.

تعلیق: ج ۵، ص ۲۴۰ - ۲۴۱؛ *لسان المیزان*، ج ۴، ص ۲۳۹ ـ ۲۴۰

ج ۴، ص ۳۱، س ۱۱ :

تعلیق المتن: الحموی.

تعلیق: ج ۵، ص ۲۴۱؛ *لسان المیزان*، ج ۴، ص ۲۴۰

ج ۵، ص ۹۳، س ۲۰ ـ استدراک:

قال الذهبی: موسی بن هِلال العبدی البصری (...) قال ابوحاتم: مجهول. و قال العُقَیلی: لا یُتابَع علی حدیثه. و قال ابن عدی: ارجو انّه لابأس له. (قلت): هو صالح الحدیث. روی عنه احمد (..) و أنْکرُ ما عنده حدیثُه عن عبدالله بن عمر، عن نافع، عن ابن عمر ـ مرفوعاً ـ: (من زار قبری وجَبتْ له شفاعتی). رواه ابن خزیمة فی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

مختصر المختصر، عن محمّد بن اسماعيل الاحمسى، عنه. (ميزان الاعتدال ج ۴ ص ۲۲۶-۲۲۵، لسان الميزان، ج ۶ ص ۱۳۵-۱۳۴) و أضاف ابن حجر: قال ابن خزيمة فى صحيحه فى باب زيارة قبر النبىّ، صلى الله عليه و اله و سلم: إن ثبت الخبر فإنَّ فى القَلبِ منه. ثم رواه عن الاحمسى كما تقدّم، و عن عبد بن محمّد الورّاق، عن موسى بن هلال، عن عبيدالله بن عمر، عن نافع، عن ابن عمر، و قال بعده: أنا أبرأ أمن عهدته، هذا الخبر من رواية الاحمسى اشبه، لأن عبيدالله بن عمر اجل و احفظ من ان يروى مثل هذا المنكر، فان كان موسى بن هلال لم يغلط فى مَنْ فَوْق احد العُمرَين، فثبته أنْ يكون هذا من حديث عبدالله بن عمير، فاما من حديث عبيدالله بن عمر فانّى لا أشكّ انّه ليس من حديثه. هذه عبارته بحروفها، و عبدالله بن عمر العمرى ـ بالتكبير ـ ضعيف الحديث، و أخوه عبيدالله بن عمر ـ بالتصغير ـ ثقة حافظ جليل، و مع ما تقدّم من عبارة ابن خزيمة وكشفته عن علّة هذا الخبر لا يحسن ان يقال: اخرجه ابن خزيمة فى صحيحه الامع البيان. فقد رواه الدولابى فى *الكنى*، قال: حدثنا على بن معبد بن نوح قال: حدثنا موسى بن هلال، قال: حدثنا عبدالله بن عمر العمرى ابو عبدالرحمن اخو عبيد الله، عن نافع، عن ابن عمر، فذكره. فهذا قاطع للنزاع من انه عن المكبر لا عن المُصَغّر، فإنّ المكبّر هو الذى يكنّى أبا عبدالرحمن و قد أخرج الدولابى بى هذا الحديث فى من يكنى أبا عبدالرحمن رواه الدار قطنى عن المحاملى = عن عبيد من محمّد الوراق، فقال: عن موسى بن هلال، عن عبدالله بن عمر، مكبّرا فاورده عبد الحقّ فى الاحكام من طريقه و سكت عليه، فتعقّبه ابن القطان، وقال: الظاهر انّه لم يسكت عنه تصحيحا و انما تسامح فيه لانه من الحثّ او الترغيب. ثم ذكركلامهم فى موسى بن هلال، و قال: الحقّ انّه لم تثبت عدالته، قال: و ذكر ـ يعنى عبدالحق ـ: ان البزار رواه ايضا، و انما رواه البزار من طريق عبدالرحمن بن زيد بن أسلم، و هو ضعيف ايضا، و فيه ايضا عبدالله بن ابراهيم الغفارى، و قد تكلّموا فيه ايضا. و لما ذكره العُقَيْلى فى الضعفاء اورد هذا الحديث عن محمّد بن عبدالله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

الحضرمی، عن جعفر بن محمّد، عن موسی بن هلال، عن عبید الله بن عمر، و قال: لایصح. و فی اسئلة البرقانی انه سأل الدار قطنی عن موسی بن هلال، فقال: هو مجهول، و قد اورد شیخنا فی الذیل هذا، و هو المذکور فیه، و اطلق علیه ذلک ابوحاتم (لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۳۵ ـ ۱۳۶)

ج ۵ ص ۱۰۷ س ۱ ـ استدراک:

قال الذهبی: هارون بن فَزَعَة [ابی فَزَعَة ـ *اللسان* ـ] المدنی، عن رجل، فی زیارة قبر النبّی، صلی الله علیه [و اله] و سلم. قال البخاری: لایتابع علیه.

عبدالملک بن ابراهیم الجُدِّی،حدَّثنا شُعْبَة، عن سوار بن میمون، عن هارون بن فَزَعَة، عن رجل من آل الخطّاب، عن النبیّ، صلی الله علیه [و اله] و سلم، قال: (مَنْ زارنی متعمِّداً کان فی جواری یوم القیامة. و مَنْ مات فی احد الحَرَمین بَعَثه الله یوم القیامة من الآمنین.)

المحاملی و السّاجی، قالا: حدّثنا محمّد بن الولید البُسْری، حدثنا وکیع، حدّثنا ابن عَوْن و خالد بن ابی خالد، عن الشعبی، والاسود بن میمون، عن هارون بن ابی [فی الهامش: هذا فی س] فَزَعَة ـ رجل من آل حاطب، عن حاطب: قال رسول الله، صلی الله علیه [و اله] و سلم: (مَنْ زارنی بَعْدَ موتی فکانمّا زارنی فی حیاتی، و مَنْ مات بأحد الحرمین بُعِث من الآمنین یوم القیامة.)

و اضاف ابن حجر: قال الازدی: هارون ابو قزعة یروی عن رجل من آل حاطب المراسیل. (قلت): فتعین انّه الذی اراد الارذی، و قد ضعفّه ایضا یعقوب بن شیبة، وذکره العُقَیلی، و الساجی، و ابن الجارود فی الضعفاء، و اورد العقیلی حدیثه من طریق الجندی.

(میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۸۵؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۸۰ ـ ۱۸۱)

ج ۵، ص ۱۶۷، س ۵ ـ استدراک:

(الذهبی): قرات علی عمر بن عبدالمنعم، عن ابی القاسم عبد الصمد بن محمّد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

حصورا، اخبرنا جمال الاسلام علیٌّ بن المُسلِّم، أخبرنا الحسین بن طَلاب، اخبرنا محمّد بن احمد الغسّانی بَصیْدا، حدّثنا عیسی بن موسی امام المسجد ببلد، قال: حدثنا الربیع بن سلیمان، حدثنا بشر بن بکر، حدثنا عبدالرحمن بن زید بن أسلم، عن ابیه، عن ابی هریرة، قال: قال رسول الله صلی الله علیه [و اله] و سلم: ما من رجلٍ یمرّ علی قبر رجل کان یعرفه فی الدنیا فیسلّم علیه الا عَرَفه، وردّ علیه السلام ـ (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۵۹۰) ـ و قال الذهبی: غریب، و مع ضعفه ففیه انقطاع، ما علمنا زیداً اَسمَع أبا هریرة. و قال شعیب الارنؤوط فی الهامش: لانّ عبدالرحمن بن زید ضعیف. و اورده السیوطی فی *الجامع الکبیر* /۷۱۸ و نسبه لا بن عساکر.

ج ۵، ص ۱۸۵، س ۴ ـ استدراک:

و ذکره الذهبی فی *تاریخ الاسلام*

و اضاف: فالله اعلم من ذلک المیت. ذیل ابی شجاع /۲۹۲ ـ الهامش ـ *النجوم الزاهرة* ۷۴/۴ عن الذهبی و حکی کلامه.

ج ۵، ص ۲۱۶، س ۵ ـ استدراک:

و سئل ابوالحسین علی بن عمر الدار قطنی عن جمع مکرم بن احمد فضائل ابی حنیفة؟ فقال: موضوع کله کذب، وضعه احمد بن المفلس الحمانی

ج ۵، ص ۲۷۲، س ۷ ـ الغسانی ـ استدراک:

الکوفی

ج ۵، ص ۲۷۸، س ۱۲ ـ استدراک:

رواه مأمون بن احمد المسلمی الهروی ذکروا انه قیل له: ألا تری إلی الشافعی و الی من تبعه بخراسان؟ فروی عن احمد بن عبدالله الجویباری بسنده عن انس ـ مرفوعا ـ «یکون فی امتی رجل یقال له محمّد بن ادریس اضرّ علی امتی من ابلیس، و یکون فی امتی رجل یقال له ابو حنیفه هو سراج امتی» (*الضعفاء* ابن حبان، ج ۳، ص ۴۵ ـ ۴۶؛ المیزان، ج ۳، ص ۴۲۹ ـ ۴۳۰؛ اللسان،ج ۵ ص ۸-۷، الموضوعات، ابن الجوز، ج ۱ ص ۴۳،۴۲-۴۱،ج ۲ ص

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

۴۸-۴۷، اللآلی ج ۲ ص ۴۵۷، *تنزیه الشریعة*،ج ۲ ص ۳۰،کشف الخفاء،ج ۱ ص ۳۴)

ج ۵، ص ۲۸۱، س ۱۶ ـ استدراک:

و ذکره ابن حجر حاکیا له عن ابن عبد البّر فی کتاب العلم، فی *لسان المیزان*، ۲۷۶/۱

ج ۵، ص ۲۸۴، ـ هامش ۱ ـ استدراک:

میزان الاعتدال ۵۶۶/۳، و *لسان المیزان* ۱۷۹/۵-۱۷۸، *الموضوعات* لابن الجوزی ۴۹/۲-۴۸

ج ۶ ص ۸۴ س ۱۴ ـ استدراک:

(الذهبی): اخبرنا العزّ بن الفرّاء، اخبرنا الامام موفق الدین بن قُدامة، اخبرنا ابن البَطّی، اخبرنا ابوالفضل بن خَیروُن، وقرأتُ علی التاج عبدالخالق، اخبرنا البهاء عبدالرحمن، و اخبرنا اسماعیل بن عمیرة، اخبرنا محمّدبن خلف بن راجح، قالا: اخبرتنا فخر النساء شُهدَة، اخبرنا محمّد بن عبدالسلام، قالا: اخبرنا ابوبکر البرقانی، قرات علی ابی العبّاس بن حمدان، حدّثکم الحسین بن محمّد بن زیاد، حدّثنا اسحاق بن منصور، حدثنا النضر بن شمیل، حدثنا شعبة، عن الحکم، سمعت ذرّا، عن عبدالرحمن بن أبزی، قال الحکم: و سمعت من ابن عبد الحرمن بن أبزی، عن ابیه: أنَّ رجلاً اتی عمر، فقال: انی أجَنْبَت فلم أجد الماء؟ قال : لاتصلِّ حتی تغتسل. فقال عمّار: أما تذکر یا امیرالمؤمنین، إذ أنا و أنت فی سریّه فاجنبنا فلم نجد ماء، فاما أنت فلم تصلِّ، و امّا أنا فمعکت فی التراب فصلیت. فلما اتینا النبیّ، صلی الله علیه [و اله] و سلم ذکرتُ ذلک له، فقال: انما کان یکفیک ـ و ضرب بیده إلی الأرض ثم نفخ فیهما و مسح بهما وَجهَه و کفیه.فقال عمر: اتّق الله یا عمّار! فقال: یا امیرالمؤمنین، إن شئْتَ ـ لما جعل اللهُ علیَّ من حقِّک ـ لا أحدِّثُ به احدا. رواه من حدیث شعبة، ثم قال: و قال النضر، عن شعبة، عن الحکم [فی التیمم، التیمم للوجه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

و الكفين] و ذكره، فقد وصله الحسين أحد الاثبات (*سيراعلام النبلاء*، الحسين بن محمّد بن زياد القَبَّانى ۱۳/ ۵۰۰-۴۹۹)

ج ۶ ص ۱۵۹ س ۲ ـ استدراک:

***(ابوبکر بن ابی شیبة):**

حدثنا يزيد بن هارون، قال: اخبرنا داود بن أبى هند، عن ابى نضرة، عن ابى سعيد: انّ ابا موسى استأذن على عمر ثلاثاً فلم يأذن له، قال: فانصرف، فأرسل اليه عمر: ما ردّک؟ قال: استأذنت الاستئذان الذى امرنا به رسول الله (صلعم) ثلاثاً، فإن اذن لنا دخلنا، و إن لم يؤذن لنا رجعنا، قال: لتاتينّى على هذا ببينة او لأفعلن و أفعلنّ. فأتى مجلس قومه فناشدهم ،فشهدوا له. فخلى الأدب عنه (*المصنف* الاستئذ ان کم مرّة يستأذن، ۸-۲/ ۶۸۱ رقم ۶۰۱۹،ابن ماجة، *السنن*، الادب (الاستئذ ان) ۲/ ۱۲۲۱ رقم ۳۷۰۶ عن ابن ابى شيبة)

ج ۶ ص ۲۱۰ س ۲۲ ـ استدراک:

ميزان الاعتدال، ۳/ ۵۵۲ بسنده عن جابر.

ج ۶ ص ۲۲۹ س ۶ ـ استدراک:

۱- متعة الحج: وأتموا الحج و العمرة لله فإن أُحصرتم فما استيسر من الهدى ولا تحلقوا رُءُوسَكم حتى يبلغ الهدى محله . فمن كان منكم مريضا أو به أذىً مِنْ رأسه، ففدية مِنْ صيام أوصَدَقة أو نُسُک فإذا أمنتُم فَمَنْ تَمَتَّع بالعُمرة إلى الحجّ فما استيسرمن الهدى فمن لم يجد فصيام ثلاثة ايام فى الحج و سبعة إذا رجعتم تلکَ عشرة كاملة ذلک لَمَنْ لم يكن أهله حاضرى المسجد الحرام و اتقوا الله و آعلموا أن الله شديدُ العِقاب ـ البقرة ۲/ ۱۹۶ ـ

۲- متعة النساء ... و أُحلَّ لكم ما وراء ذلكم أن تبتغوا باموالكم محصنين غير مسافحين فما استمتعتم به منهنّ فآتوهن أجورهن فريضة و لاجناح عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة ان الله كان عليما حكيما ـ النساء ۴/ ۲۴ ـ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

۱-۱- (حدثنا عبدالله) [= ابوبکر بن ابی داود]: حدثنا نصر بن علی، قال: اخبرنی ابواحمد عن عیسی بن عمر، عن عمروبن مرّة، عن سعید بن جبیر: (فما استمتعتم به منهن إلی اجل مسمّی) [= النساء، ۲۴/۴]، و قال: هذه قِراءة ابیّ بن کعب. (*المصاحف*، مصحف أبّی بن کعب) ۵۳/۱

۱-۲- (ابوجعفر بن جریر): حدثنا ابوکریب، قال: ثنا یحیی بن عیسی، قال: ثنا نصیربن أبی الأشعث، قال: ثنی حبیب بن أبی ثابت، عن ابیه، قال: أعطانی ابنُ عباس مُصحفاً، فقال: هذا علی قِراءة أبیّ. (قال ابوبکر) : قال یحیی: فرأیت المصحف عند نصیر، فیه: (فما استمتعتم به منهنّ إلی أجلٍ مسمّی).

جامع البیان (بولاق) ۹/۵

۱-۳- (ابوجعفر بن جریر): حدثنا ابن بشار، قال: ثنا عبد الأعلی، قال: ثنا سعید عن قتادة، قال: فی قِراءة أبیّ بن کعب: (فما استمتعتم به منهنّ إلی أجلٍ مسمّیً)

جامع البیان ـ بولاق، ۹/۵

۲-۱- (حدثنا عبدالله) حدثنا هارون بن اسحاق، حدثنا وکیع ، عن سفیان، عن ابی اسحاق، عن عُمر بن یریم، عن ابن عباس انّه قرأ(...) [*المصاحف* (مصحف عبدالله بن عباس) ۷۷] + (حدثنا ابوبکر عبدالله بن سلیمان بن الاشعث) قال: حدثنا أسید بن عاصم، حدثنا الحسین، حدثنا سفیان، علی عن اسحاق، عن أبی هلال، عن ابن عباس: انه قرا (...) [-/۸۱] + (حدثنا عبدالله) حدثنا حماد بن الحسن الورّاق، حدثنا حجاج بن نصیر، حدثنا شعبة، عن ابی اسحاق، عن هبیرة، عن ابن عباس: أنّه کان یقرأ: (فما استمتعتم به منهن إلی اجلٍ مسمّی) [(*المصاحف* (مصحف عبدالله بن عباس) ۸۱)]

*** ابو جعفر بن جریر:**

حدثنا ابن المثنی، قال: ثنا ابو داود، قال: ثنا شعبة، عن ابی اسحاق عن عمیر: انّ ابن عباس قرأ: (فما استمتعتم به منهنّ إلی أجلٍ مسمیً) + حدثنا ابن المثنی قال ثنا،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

ابن أبی عدی، عن شعبة. (و ثنا) خلّاد بن اسلم، قال: اخبرنا النضر، قال أخبرنا شعبة، عن ابی اسحاق، عن ابن عباس بنحوه.

جامع البیان ـ بولاق، ۹/۵

۲-۲- (حدثنا عبدالله): حدثنا احمد بن عصام، حدثنا ابوبکر الحنفی، حدثنا سفیان، حدثنا ابواسحاق، عن عمرو بن حزم، قال: سمعت ابن عبّاس یقرأها: (فما استمتعتم به منهنّ إلی أجلٍ مسمی). (قال عبدالله بن ابی داود): اخطاها ابوبکر الحنفی فی قوله: (عمرو بن حزم) انمّا هو عمیر بن یدیم، مکان: حزم

المصاحف (ـ) /۷۷

۲-۳- (حدثنا عبدالله): حدثنا محمّد بن بشّار، حدثنا محمّد، حدثنا شعبة، قال: سمعت ابا اسحاق: انّه سمع عمیر بن یدیم: أنّه سمع ابن عباس یقول فی هذه الایة: (فما استمتعتم به منهن إلی أجلٍ مسمی).

المصاحف (عبدالله بن عباس) ۸۱

۲-۴-۱ (حدثنا عبدالله): حدثنا حمّاد بن الحسن، حدثنا الحجّاج ـ یعنی ابن نصیر، حدثنا شعبة، عن أبی مسلمة، عن أبی نضرة، قال: قرأت علی ابن عباس: (فما استمتعتم به منهن) فقال ابن عباس: (إلی أجلٍ مسمّیً) قال: قلتُ: ماهکذا اقرأها؟! قال: والله، لقد نزلت معها ـ قالها ثلاث مرّات

المصاحف (عبدالله بن عباس) /۸۱

*** ابو جعفر بن جریر:**

حدثنا ابن المثنّی، قال: ثنا محمّد بن جعفر، قال ثنا شعبة، عن أبی سلمة عن ابی نضرة قال: قرأت هذه الآیة علی ابن عباس: (فما استمتعتم به منهن) قال ابن عباس: (إلی أجلٍ مسمی). قال: قلت: ما اقرأها کذلک! قال: والله، لأنزلهاالله کذلک ـ ثلاث مرات ـ

جامع البیان (بولاق) ۹/۵

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

*** الحاكم:**

اخبرنا ابو زكريا العنبرى، ثنا محمّد بن عبدالسّلام، ثنا اسحاق بن ابراهيم، أنبا النضر أنبأ شعبة، ثنا ابو سلمة، قال: سمعت أبا نضرة يقول: قرأت على ابن عباس: (فما استمتعتم فأتوهنّ أجورَهُنَّ فريضة)، قال ابن عباس: (فما استمتعتم به منهنّ إلى اجلٍ مسمّىً) قال نضرة: فقلت: ما نقرأها كذلک! فقال ابن عباس: والله لانزلها الله كذلک. هذا حديث صحيح على شرط مسلم و لم يخرجاه. و اقرّه عليه الذهبى فى التلخيص

المستدرک على الصحيحين للحاكم (النساء)، ۳۰۵/۲ ـ و بهامشه *التلخيص* ـ

۲-۴-۲- (ابو جعفر بن جرير): حدثنا حميد بن مسعدة، قال: ثنا بشر بن المفضّل، قال: ثنا داود، عن ابى نضرة، قال: سألت ابن عباس عن متعة النساء؟ قالّ: أما تقرأ سورة النساء؟ قلت: بلى. قال: فما تقرأ فيها: (فما استمتعتم به منهنّ إلى أجلٍ مسمىً)؟ قلت: لا، لو قرأتُها هكذا ما سألتُک! قال: فإنّها هكذا. + حدثنا ابن المثنى، قال: ثنى عبدالأعلى، قال: ثنى داود، عن ابى نضرة، قال: سألت ابن عباس عن المتعة ـ فذكر نحوه.

جامع البيان (بولاق) -۹/۵

۳-۱- (ابو جعفر بن جرير): حدثنا محمّد بن المثنى، قال: ثنا محمّد بن جعفر، قال: ثنا شعبة، عن الحكم، قال: سألته عن هذه الاية: (و المحصنات من النساء الّا ما ملكت ايمانكم) إلى هذا الموضع: (فما استمتعتم به منهنّ)، أمنسوخة هى؟ قال: لا. قال الحكم: و قال على: لولا أنّ عمر نهى عن المتعة ما زنى إلّا شقى.

جامع البيان ـ بولاق، ۹/۵

۴-۱- (ابو جعفر بن جرير): حدثنى المثنى، قال: ثنا ابو نعيم، قال: ثنا عيسى بن عمر القارى الاسدى، عن عمرو بن مرّة: عن عمرو بن مرّة: أنّه سمع سعيد بن جبير، يقرأ: (فما استمتعتم به منهنّ إلى أجلٍ مسمّى فأ توهُنَّ اجورهن).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

جامع *البیان* ـ بولاق، ۵/۱۰-۹

ج ۶ ص ۲۷۷ س ۲۱ ـ استدراک:

(حفص بن اسلم المسمعی الاصفر، الجحدری، روی عن ثابت و عنه جماعة. قال البخاری: عنده عجائب، وکذا قال ابن عدی. وقال ابو حاتم. ما به بأس، یکتب حدیثه، و قال ابن حَبّان: یروی ما لا اصل له حتی سبق إلی القلب انّه الواضع له. (*التاریخ الکبیر* ۲-۱(۲)/۳۶۹، *الجرح و التعدیل* ۲-۱(۳)/۱۶۹، *الضعفاء* ۱/۲۵۶، *المیزان*: ۱/۵۵۵، *اللسان*، ۲/۳۲۰ روی سلیمان بن حرب، و غیره، عنه: حدثنا ثابت، عن انس: ان اعرابیاً... الخ. *المیزان*، ۱/۵۵۶-۵۵۵، *اللسان*، ۲/۳۲۱-۳۲۰)

*فی *الکنز* (عق) [= العقیلی فی *الضعفاء*] و فی منتخبه (عب) [= عبدالرزاق فی *الجامع*] و الظاهرانه (عد) [= ابن عدی فی *الکامل*] فانه هو الذی رواه.

ج ۸ ص ۲۳ س ۱۹ ـ استدراک:

و فی روایة ابی امامة، قال: خرج رسول الله، صلی الله علیه [و آله] و سلم من عند عمّه حین قبض، و هو یقول: (ما زلت بعمی حتی ترکته فی ضحضاح من النار) و فی السند: مطرح بن یزید الاسدی، و عبیدالله بن زحر، و هما متفق علی ضعفهما کما صرّح به الذهبی، (*میزان الاعتدال*، ۴/۱۲۴-۱۲۳، *تهذیب التهذیب*، ۱۰/۱۷۲-۱۷۱، *الضعفاء*، ابن حبان، ۳/۲۷-۲۶)

ج ۸ ص ۵۰ س ۱ ـ استدراک:

(الذهبی): القاسم بن عبدالواحد بن ایمن: حدثنا عمر بن عبدالله بن عروة، عن جدّه عروة، عن عائشة، قالت: فخرت بمال أبی فی الجاهلیة، وکان الف الف! أوقیة، فقال النبی (صلعم): یا عائشة، کنت لک کابی زرع لام زرع.

هکذا فی هذه الروایة، الف الف اوقیة، و اسنادها فیه الین، و اعتقد لفظة (الف) الواحدة باطلة، فانه یکون اربعین الف درهم: و فی ذلک فخر لرجل تاجر [؟!] و قد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

انفق ماله فی ذات الله [تعالی الله عمّا یقول الکافرون علوّاً کبیراً] و لما هاجر کان قد بقی معه ستة آلاف درهم، فأخذها صحبته ، امّا الف الف اوقیة، فلا تجتمع إلا لسلطانٍ کبیر (سیر *اعلام النبلاء* ۲/۱۸۶-۱۸۵)

ج ۸ ص ۱۰۲ س ۲۱ ـ استدراک:

***الطبرانی:**

حدثنا محمود بن محمّد الواسطی، ثنا وهب بن بقیة، انا خالد عن الاجلح، عن ابی اسحاق، عن حارثة بن وهب، قال: صلیت مع النبّی، صلی الله علیه [و آله] و سلم بمنی رکعتین، و مع ابی بکر رکعتین، و مع عمر رکعتین، و مع عثمان اربع رکعات.

المعجم الکبیر (حارثة بن وهب الخزاعی) ۳/۲۶۴ رقم ۳۲۴۹

*** الطبرانی:**

حدثنا احمد بن عمرو الزنبقی، ثنا علی بن الحسین الدرهمی، ثنا الفضل بن العلاء، عن أشعث بن سوّار، عن ابی اسحاق، عن حارثة بن وهب ـ او: وهب بن حارثة ـ قال: صلَّیْتُ مع رسول الله، صلی الله علیه [و اله] و سلم بمکّة و بمنی رکعتین، و مع ابی بکر رکعتین، و مع عمر رکعتین، و مع عثمان صدراً من خلافته رکعتین.

المعجم الکبیر (ـ) ۳/۲۶۴ رقم ۳۲۵۱

ج ۸ ص ۱۳۰ س ۲۳ ـ استدراک:

*** الذهبی:**

اخبرنا الحسن بن علی بن الخلّال ، اخبرنا عبدالله بن عمر، اخبرنا ابوالوقت السّجّزی، حدثناعبدالله بن محمّد الانصاری، حدثنا علی بن احمد بن خمیرویه، اخبرنا محمّد بن احمد بن الازهر املاءً، اخبرنا عبدالله بن عروة، حدثنا محمّد بن الولید، عن غُندَر، عن شعبة، عن الحکم، عن علی بن الحسین، عن مروان بن الحکم،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

قال: شهدت و علیا، بمکة و المدینة (...) فقال: لبیک بحجة و عمرة (...) بقول احد من الناس ـ سیر *اعلام النبلاء*، ۲۹۴/۱۴، و فی الهامش عن البخاری و الدارمی، ۶۹/۲ـ۷۰ فی الحج، (القران) و النسائی.

ج ۸ ص ۲۳۸ س ۱۹ـ استدراک:

محمّد بن سعد، قال: اخبرنا محمّد بن عمر، قال: حدثنی عبدالله بن جعفر، عن ام بکر بنت المسور [بن مخرمة] عن ابیها، قال: سمعت عثمان یقول: ایها الناس، ان ابابکر و عمر کانا تناولان فی هذا المال ظلف نفسهما [: أی بُؤْس] و ذوی ارحامهما، و إنّی تأوَّلتُ فیه صلة رحمی (*الطبقات*، ۱-۴۴/۳، *کنز العمال*، ۳۶۶/۵ رقم ۲۳۲۴، عنه)

ج ۸ ص ۲۴۲ س ۷ ـ استدراک:

۱- قال الجاحظ: (و کان بالحکم بن ابی العاص بیاضٌ [یعنی البرص] و لذلک حین اطلّع فی منزل النبی، صلی الله علیه [و اله] و سلم، قال: من یَعذُرنی من الوَزَغَة) [ای شبّه بالوزغة لانه کان ارقش من البرص] (*البرصان و العرجان و العمیان و الحولان* /۶۹)

۲- و قال حسّان، او عبدالرحمن بن حسان، او سعید بن عبدالرحمن بن حسان للحکم و اولاده و بنی عثمان:

بُطوکَ العَظایا سَرْعَ ما قَدْ نَسِیتُمُ بمَوْسِمِ أهلِ الجَمْعِ لَطْمَةَ أَسْعَدِ

و للنصف الثانی من هذا البیت تفسیر یدخل فی المثالب، سمعت الاصمعیَّ و سأله رَجل عن بعض المثالب: انی والله ما اقول إنی و الله ما اقول إنّی لا أُحْسِنها، و لکن أُدعُها تحرُّجاً، و لکنْ ـ و اللهِ ـ إنَّ عَلَّمنیها الله قطّ. *البرصان*... /۶۹

ج ۸ ص ۲۴۳ س ۷ ـ استدراک:

*** الطبرانی:**

حدثنا محمّد بن عبدالله الحضرمی، ثنا عباد بن یعقوب، ثنا حماد بن عیسی، عن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

بلال بن یحیی، عن حذیفة (...)

عن حذیفة، قال: لّما قبض النبی (صلعم) و استخلف ابوبکر، قیل له فی الحکم بن ابی العاص فقال: ما کنت لاحل عقدة عقدها رسول الله صلعم (کنز *العمال* ۴۷۴/۵ رقم ۲۳۴۴ عن الطبرانی فی الکبیر و ابی نعیم، *المعجم الکبیر* (ـ) ۳/ ۲۴۰ رقم ۳۱۶۸

ج ۹ ص ۱۰ س ۹ ـ استدراک:

الفسوی ۵۳۹/۲

*** الطبرانی:**

حدثنا محمّد بن عبدالله الحضرمی، ثنا ضرار بن صرد، ثنا عائذ بن حبیب، عن اسماعیل بن ابی خالد عن عبدالله المدنی، عن عبدالرحمن بن ابی بکر، قال: کان الحکم بن ابی العاص یجلس عند النبیّ، صلی الله علیه [و اله] و سلم، فإذا تکلّم النبیُّ (صلعم) اختلج اولا، فبصربه النبی (صلعم) فقال: انت کذالک. فما نال یختلج حتی مات.

المعجم الکبیر (الحکم بن ابی العاص بن امیه...) ۳/ ۲۴۰ رقم ۳۱۶۷

ج ۹ ص ۵۴ س ۱۲ ـ استدراک:

سیر اعلام النبلاء ۱۶/۴، *ابن عساکر* (عاصم ـ عابد) /۳۳۲.

ج ۱۰ ص ۱۸۴ س ۱۹ ـ استدراک:

(الدارمی): اخبرنا محمّد بن حُمَید، ثنا هارون بن المغیرة، عن معروف، عن ابی المخارق، قال:

ذکر عُبادة بن الصّامت: انّ النّبی، صلی الله علیه [و اله] و سلم،نهی عن درهَمین بدرهم، فقال فلان: ما أری بهذا بأساً، یداً بید. فقال عبادة: اقول: قال النبی صلی الله علیه[و اله] و سلم، و تقول: لا أری به بأساً؟! والله لا یُظِلّی و ایّاک سقف ابداً

السنن، العلم (تعجیل عقوبة من بلغه عن النبی، صلی الله علیه [و اله] و سلم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

سدیث فلم یعظّمه و لم یوقّره)، ۱۱۸/۱

ج ۱۰ ص ۱۸۶ س ۵ ـ استدراک:

سیر *اعلام النبلاء* ۷/۲. و قال محققه فی الهامش: رجاله ثقات

۶- اخرج ابن ماجة من طریق قبیصة بن ذؤیب: انّ عبادة بن الصامت الانصاری النقیب، صاحب رسول الله، صلی الله علیه [و اله] و سلم غزا مع معاویة ارض الروم، فنظر الی النّاس و هم یتبایعون کسر الذهب بالدنانیر، وکسر الفضّة بالدراهم، فقال: یا ایها الناس، انکّم تأکلون الرِّبا، سمعت رسول الله، صلی الله علیه [و اله] و سلم یقول: لاتبتاعوا الذهب بالذهب الا مثلاً بمثل، لا زیادة بینهما و لا نَظرة. فقال له معاویة: یا ابا الولید، لا أری الرّبا فی هذا إلا ماکان من نَظِرة. فقال عبادة: أحدِّثک عن رسول الله، صلی الله علیه [و اله] و سلم، و تحدِّثنی عن رأیک! لئن اخرجنی الله لا أُساکنک بارض لک علیَّ فیها إمرة. فلمّا قفل لحق بالمدینة، فقال له عمر بن الخطّاب: ما أقدمک، یا ابا الولید؟ فقصّ علیه القصّة و ما قال من مساکنته، فقال: ارجع یا ابا الولید الی أرضک، فقبّح الله أرضاً لستَ فیها و امثالک! وکتب الی معاویة: لاإمرةَ لک علیه، و احمل الناس علی ما قال، فإنّه هو الأمر

السنن، المقدمة، ۹/۱-۸ رقم ۱۸

ج ۱۰ ص ۲۲۶ س ۴ ـ استدراک:

و فی سنة (۱۶۰) امر المهدی العباسی برّد نسب زیاد و اخوته، وکتب بذلک کتابا. راجع: *الطبری*، (طبع دار المعارف) ۱۳۲/۸-۱۲۹، *ابن الاثیر*، ۴۸/۶-۴۷، *ابن کثیر*، ۶۳۹/۱۰، *ابوالفداء* ۸/۲، *مآثر الانافة*، ۱۸۵/۱

ج ۱۰ ص ۲۲۸ س ۵ ـ استدراک:

و عن الحسن البصری: ان المغیرة بن شعبة اشار علی معاویة ببیعة ابنه، ففعل، فقیل له: ما وراءک؟ قال : وضعت رجْل معاویة فی غرزعْیّ لایزال فیه الی یوم القیامة (*سیر اعلام النبلاء*، ۳۹/۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]

ج ۱۰ ص ۲۵۶ س ۱ ـ التعليق :

المتن: ينكح الامهّات

تعليق: امّهات الأولاد

ج ۱۰ ص ۲۵۶ ـ هامش ۱ ـ استدراک:

الامينى ۷۷/۹ ـ ب، *سير اعلام النبلاء* ۳۲۴/۳، *تاريخ الخلفاء*

ج ۱۰ ص ۲۵۶ ـ هامش ۲ ـ استدراک:

سير اعلام النبلاء ۳۲۲/۳، *تاريخ خليفه* ۲۳۷/۲

ج ۱۰ ص ۲۶۳ س ۱۴ ـ استدراک:

سير اعلام النبلاء ۶۹/۱ (حول رضاه بسبّه عليه السلام)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.38.7.9]